



HomePage: https://jquran.um.ac.ir/	Vol. 55, No. 1: Issue 110, Spring & summer 2023, p.223-243	
Online ISSN: 2538-4198	Print ISSN: 2008-9120	
Receive Date: 06-09-2020	Revise Date: 11-06-2022	Accept Date: 07-01-2023
DOI: https://doi.org/10.22067/jquran.2023.61147.0	Article type: Original	

Studying the Sources of Shi'a Narrations in al- Tibyān

Dr. sayyid Hosein Moosavi Darebidi (corresponding author), Ph.D., Islamic Azad University of Isfahan

Email: mosavi15@gmail.com

Dr. Davood Esmaeili, Assistant professor, Isfahan university

Abstract

Regarding the interpretive narrations of *al-Tibyān*, *Shaykh Ṭūsī*, in his method, pays serious attention to the *Ahl al-Bayt's* hadiths and the interpretive narrations of the Companions and Successors. When quoting Shi'a interpretive hadiths, he uses indications such as "our Companions" (*Aṣḥābunā*), "our Imams" (*A'immatinā*), and "our news" (*Akḥbārūnā*). According to the results, in quoting *Ahl al-Bayt's* hadiths, the commentaries of *al-Maṣābiḥ Maqribī*, *Qumī*, *Ayāshī*, and *Wāqidi* book are the definite sources of *al-Tibyān*. Also, some of the Shi'a narrative collections including *Kāfī*, some works of *Shaykh Muḥīd*, *Shaykh Ṣadūq*, etc. can be considered as its probable sources. In addition, the existence of some Shiite narrators' names such as *Jābir ibn Yazīd* and *Abi al-Jārūd* at the beginning of some narrations can indicate that he has used their commentaries too. Besides, in some cases, *Ahl al-Bayt's* hadiths have been transmitted from *Ṭabarī* commentary to *al-Tibyān*. *Shaykh Ṭūsī* has used abundantly non-Shiite sources such as *Jāmi' al-Bayān*, and mentioned their author's name; on the contrary, he hasn't specified the names and works of the Shiite authors. This method should be affected by the governing atmosphere of *Baqdād*, where this work has been written and it should be considered in relation to his proximity approach.

Keywords: *Shaykh Ṭūsī*, *al-Tibyān*, Narrative sources, *Ahl al-Bayt's* hadiths, Shi'a exegeses





سال ۵۵ - شماره ۱ - شماره پیاپی ۱۱۰ - بهار و تابستان ۱۴۰۲، ص ۲۴۳ - ۲۲۳	شاپا چاپی ۲۰۰۸-۹۱۲۰
HomePage: https://jquran.um.ac.ir/	شاپا الکترونیکی ۲۵۳۸-۴۱۹۸
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۷/۰۳/۲۱	تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۶
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۷/۱۰/۱۷	نوع مقاله: پژوهشی
DOI: https://doi.org/10.22067/jquran.2023.61147.0	

جستاری در مصادر روایات شیعه در تفسیر التبیان

دکتر سید حسین موسوی دره بیدی (نویسنده مسئول)

دانش آموخته دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان

Email: mosavi15@gmail.com

دکتر داود اسماعیلی

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان

چکیده

روش شیخ طوسی در استفاده از روایات تفسیری التبیان، اهتمام جدی به روایات اهل بیت (ع) و توجه فراوان به روایات و اقوال تفسیری صحابه و تابعان است. وی در نقل بسیاری از روایات تفسیری شیعی از قرینه‌هایی همچون اصحابنا، ائمتنا و اخبارنا استفاده می‌کند. تفاسیر المصابیح مغربی، قمی، عیاشی و کتاب واقدی از منابع قطعی و برخی از مجامع روایی شیعه همچون کافی، برخی آثار شیخ مفید، شیخ صدوق و... از جمله منابع محتمل التبیان در نقل روایات اهل بیت (ع) است. نام برخی از راویان شیعی همچون جابر بن یزید و ابی الجارود در صدر برخی از روایات نیز می‌تواند حاکی از بهره‌مندی وی از تفاسیر آنان باشد. در پاره‌ای موارد، روایات اهل بیت (ع) از تفسیر طبری به التبیان راه یافته است. روش شیخ طوسی در استفاده فراوان از منابع غیر شیعی مانند جامع البیان و تصریح به نام مؤلفان آن‌ها و در مقابل عدم تصریح به نام و آثار مؤلفان شیعی را باید متأثر از فضای حاکم بر تألیف این اثر در محیط و جغرافیای شهر بغداد و در راستای رویکرد تقریبی وی به شمار آورد.

واژگان کلیدی: شیخ طوسی، التبیان، مصادر روایی، روایات اهل بیت (ع)، تفاسیر شیعه.

مقدمه

تفسیر التبیان اولین تفسیر کامل و اجتهادی شیعه به شمار می‌رود. شیخ طوسی در تألیف التبیان از مؤلفه‌ها و ابزارهای تفسیری متنوع، از جمله روایات تفسیری عامه و خاصه بهره برده است. سخنان صحابه، تابعان و مفسران متقدم در این تفسیر نقشی پررنگ دارد؛ اما مؤلف به روایات اهل بیت (ع) نیز توجه داشته و به‌ویژه روایاتی را از صادقین (ع) نقل کرده است. به دیگر سخن، مصادر التبیان گوناگون است و مؤلف از منابع لغوی، ادبی، روایی، تاریخ و سیره، تفسیر، کلام و اعتقادات، قرائت و علوم قرآنی، فقه و اصول شیعی و غیر شیعی استفاده کرده است. وی برای نقل روایات اهل بیت (ع) از مصادر تفسیری، مجامع حدیثی و برخی کتب دیگر بهره برده است. نکته تأمل‌برانگیز اینکه در تفسیر التبیان از مؤلفان شیعی کمتر از مؤلفان غیر شیعی نام برده است و در عین حال با استفاده از قرینه‌هایی مخاطب را به مصادر شیعی خود سوق داده است. وی پس از نقل روایات تفسیری با استفاده از عباراتی عام مانند تفسیرنا، اخبارنا و اصحابنا نشان می‌دهد که این موضوع یا روایت از تألیفات شیعی گزارش شده است. این قرینه‌ها به‌طور قطع حاکی از بهره‌بردن شیخ از تفاسیر مأثور و مجامع روایی شیعه است.

از دیگر ویژگی‌های مهم روایات اهل بیت (ع) در تفسیر التبیان تغییرات واژگانی این روایات است؛ توضیح اینکه، در این تفسیر روایات اهل بیت (ع) با سند و واژگان کامل و هماهنگ با مصادر متقدم نقل نشده است و با تغییراتی مانند اختصار، حذف و اضافه و نقل به معنا همراه است تا جایی که برخی روایات به‌صورت اشاری نقل شده‌اند (موسوی دره بیدی، ۵۷ تا ۱۱۰).

هدف از این نوشتار، ارائه منابع روایی اهل بیت (ع) در تفسیر التبیان است. برخی روایات التبیان از این تفسیر به تفاسیر شیعی دیگر به‌ویژه مجمع البیان و از این رهگذر به دیگر تفاسیر و از جمله تفاسیر روایی متأخر؛ همانند کنز الدقائق، البرهان، نور الثقلین و... انتقال یافته است؛^۱ مشخص کردن منابع روایی شیعی التبیان که مرجع روایات در تفاسیر متأخر است می‌تواند اعتبار روایات التبیان و تفاسیر مذکور را روشن

۱. تعداد این روایات زیاد است. نک: ذیل آیه ۱ سوره فاتحه: «روی ابوسعید الخدری عن النبی (ص) ان عیسی بن مریم قال: الرحمن رحمن الدنیا و الرحیم رحیم الآخرة» (طوسی، ۲۹/۱؛ طبرسی، ۹۳/۱؛ فیض کاشانی، ۸۱/۱؛ حویزی، ۱۴/۱؛ کاشانی، ۳۱/۱).

ذیل آیه ۳۰ سوره اعراف: «عن ابي جعفر (ع) انه قال فی الجمعات و الأعیاد» (طوسی، ۳۸۶/۴؛ طبرسی، ۶۳۷/۴؛ قمی مشهدی، ۶۱/۵؛ حویزی، ۱۹/۲؛ بحرانی، ۵۳۲/۲).

ذیل آیه ۶۳ سوره انفال: «المراد بالمؤمنین الأضرار و بتألیف قلوبهم ما كان بین الأوس و الخزرج من العداوة و القتال، هذا قول ابي جعفر (ع)» (طوسی، التبیان، ۱۵۱/۵؛ طبرسی، ۸۵۴/۴؛ قمی مشهدی، ۶۱/۵؛ حویزی، ۱۹/۲؛ بحرانی، ۵۳۲/۲).

ذیل آیه ۷ سوره رعد: «وضع رسول الله (ص) یدہ علی صدره و قال انا المنذر «و لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» و او ما بیده الی منكب علی (ع)، فقال انت الهادی یا علی بك یهتدی المهندون من بعدی» (طوسی، ۲۳۰/۶؛ طبرسی، ۴۲۸/۶؛ قمی مشهدی، ۴۱۲/۶؛ حویزی، ۴۸۲/۲؛ فیض کاشانی، ۵۹/۳).

ذیل آیه ۴۹ سوره كهف: «روی عن النبی (ص) انه قال: یحشرون حفاة عراة عرّلا. فقالت عائشة: أفما یحشرون یومئذ...» (طوسی، ۵۴/۷؛ طبرسی، ۷۳۲/۶؛ قمی مشهدی، ۹۰/۸؛ حویزی، ۲۶۶/۳).

کند. افزون بر اینکه این اقدام چهره‌ای دیگر از تفسیر اجتهادی التبیان را آشکار خواهد کرد. یادآور می‌شود در این نوشتار ابتدا به روش مؤلف در استفاده از مصادر روایی التبیان اشاره می‌شود و سپس این مصادر در دو گروه تحلیل خواهد شد؛ گروه اول: منابع قطعی که نام مؤلفان آن‌ها در التبیان ذکر شده است یا در تطبیق روایات به صورت قطعی منبع بودن آن‌ها احراز می‌شود؛ گروه دوم: منابع احتمالی تفسیر التبیان است. مقصود از منابع احتمالی، مصادری است که روایات التبیان منحصر به آن‌ها نیست و به طور قطع نمی‌توان روایت را به یکی از این مصادر نسبت داد. در این گروه، مجامع روایی متقدم شیعه درخور توجه است. مؤلف نیز در نقل برخی روایات اهل بیت (ع) از منابع اهل سنت به ویژه تفسیر طبری استفاده کرده است.

در خصوص پیشینه موضوع باید گفت: در سال ۱۳۴۹ ش، کنگره شیخ طوسی در دانشگاه فردوسی مشهد برگزار شد که در مقالات مختلف، روش تفسیری التبیان بررسی شده است؛ اما در این مقالات منابع التبیان به ویژه منابع روایی آن بررسی نشده است. ایرانی قمی در سال ۱۳۷۱ ش در کتاب روش شیخ طوسی در تفسیر التبیان، منابع تفسیری، لغوی، فقهی و نحوی التبیان را برشمرده و کاصد یاسر زیدی در کتاب منهج الشیخ ابی جعفر الطوسی فی تفسیر القرآن الکریم به صورت کلی به تفاسیر شیعه و سنی و منابع ادبی و لغوی اشاره کرده است؛ ولی در هیچ یک از این دو تحقیق نیز به منابع روایی این تفسیر اشاره نشده است. در سال‌های اخیر، مرتضی کریمی‌نیا در مقاله «شیخ طوسی و منابع تفسیری وی در التبیان» به نکاتی از روش روایی شیخ طوسی در نقل روایات اهل بیت (ع) و برخی از منابع مورد استفاده وی اشاره کرده است. همچنین در رساله دکتری خویش با عنوان «وزیر مغربی و روش‌شناسی المصباح فی تفسیر القرآن» به بررسی برخی روایات شیعی التبیان که از تفسیر مغربی نقل شده است، پرداخته و این تفسیر را از جمله منابع التبیان برشمرده است. نوشتار پیش‌رو، منابع روایی شیعی التبیان را به ویژه در حوزه تفاسیر مأثور و مجامع روایی بررسی کرده است که در پژوهش‌های قبلی به آن‌ها پرداخته نشده یا تنها به آن‌ها اشاره شده است. با تطبیق روایات نیز به برخی منابع کشف‌نشده التبیان اشاره کرده است.

۱. گونه‌های مختلف ذکر منابع در تفسیر التبیان

شیخ طوسی در تفسیر التبیان از مؤلفه‌های گوناگون تفسیر اجتهادی بهره برده است. وی در کنار طرح مباحث مربوط به قرائت، لغت، مفردات قرآنی، نکات ادبی، نقل روایات تفسیری منقول از صحابه و تابعان و روایات اهل بیت (ع)، به دیدگاه‌های مفسران پیشین و مباحث کلامی و فقهی نیز پرداخته و با استفاده از استدلال‌های عقلی و نقلی آن‌ها را نقد و بررسی کرده است. نکته درخور توجه این است که شیخ طوسی در

نگارش تفسیر خود با نگرشی فرامذهبی و همه‌جانبه، افزون بر منابع شیعه از مصادر عامه نیز بهره برده است، اما در استفاده از منابع شیعه و اهل سنت روشی متفاوت پیش گرفته است؛ توضیح اینکه، وی کمتر به نام مؤلفان شیعه تصریح می‌کند تا جایی که در این تفسیر غیر از علی بن ابراهیم، وزیر مغربی و سید مرتضی، هیچ نامی از مؤلفان شیعه دیده نمی‌شود که البته فضای فکری و علمی نگارش این تفسیر و نیز رویکرد تقریبی شیخ طوسی از مهم‌ترین عوامل آن به شمار می‌آید (موسوی دره بیدی، ۱۱۱ تا ۱۲۰). با این وصف، اصلی‌ترین منبع التبیان کتاب‌های تفسیر و دانش‌های قرآنی است. شیخ طوسی مانند بسیاری از متقدمان در ارجاع مطالب و روایات تفسیری بیشتر به نام مؤلف اشاره کرده و تنها در موارد اندکی نام برخی کتاب‌ها را در التبیان ذکر کرده است، هرچند در این موارد نیز نام مؤلف دیده می‌شود؛ مانند «حکى البلخى فى کتاب التفسیر» (طوسی، ۱۳/۱)، «قال الجبائى فى التفسیر» و «ابوبکر الرازى فى احکام القرآن» (همان، ۲۹۷/۴)، «ابوعبیده فى مجازة» (همان، ۴۲۳/۸) و

شیخ طوسی از میان تفاسیر متأثر شیعی پیش از خود، همچون جابر بن یزید، ابوالجارود، ابوحمره ثمالی، جبری، فرات کوفی، علی بن ابراهیم قمی، عیاشی و نعمانی تنها از تفسیر قمی نام برده است؛ اما با تطبیق روایات این تفسیر از تفاسیری مانند قمی، عیاشی و فرات کوفی می‌توان نام برد، همچنین نام جابر و ابوالجارود در آغاز تعدادی روایات آورده شده است. افزون بر این، برخی عنوان‌های کلی مانند «فی تفسیرنا»، «تفاسیرنا» و «فی تفسیر اهل البیت» نیز بر توجه شیخ طوسی به تفاسیر شیعه دلالت دارد، عنوان‌هایی که بیشتر به تفاسیر قمی و عیاشی بر می‌گردد (همان، ۱۵۰/۱؛ ۱۶۷/۲؛ ۴۸۶ و ۴۸۷؛ ۱۰۳/۳؛ ۱۳۵/۵ و ۲۱۷؛ ۲۲۸/۶؛ ۳۵۱/۷). استفاده از عناوین خاص «روایاتنا»، «ما رواه أصحابنا»، «المروى عن أئمتنا»، «روى فى اخبارنا» و «المروى فى أخبارنا» (همان، ۱۷۲/۱؛ ۱۴۴/۲؛ ۳۰۷/۳؛ ۲۹۵/۴؛ ۱۶۹/۵؛ ۱۳۶/۷؛ ۳۴۷/۸؛ ۲۹۱/۹ و ...) نیز نشان‌دهنده توجه وی به مجموعه‌های روایی شیعه است؛ هرچند به صورت مستقیم به نام این منابع اشاره نکرده است. گاه نیز به طور هم‌زمان به منابع تفسیری و روایی شیعه اشاره شده است؛ برای نمونه، در تفسیر آیه ۳۴ سوره بقره می‌نویسد: «و اختلفوا فى امر الملائكة و السجود لآدم على وجهين: قال قوم: انه أمرهم بالسجود له تكرامة و تعظيما لشأنه و هو المروى فى تفسیرنا و اخبارنا. و هو قول قتادة و جماعة من اهل العلم» (همان، ۱۵۰/۱). در برخی موارد نیز شیخ طوسی از دیگر کتاب‌های خود نام می‌برد و مطالبی را به آن‌ها ارجاع می‌دهد؛ مثلاً الخلاف (۱۳/۱؛ ۲۳۰/۲؛ ۴۰۵/۷)، النهایه (۱۹۶/۱؛ ۲۳۰/۲؛ ۱۰۴/۲)، المسبوط (۱۵۹/۲؛ ۵۳۸/۳)، الأصول (۷۲/۲؛ ۹۳/۵)، الإمامة (۴۸۵/۲؛ ۵۶۳/۳)، شرح الجمل (۵۵۰/۲؛ ۴۰۳/۳)، تلخیص الشافی (۵۸۸/۲)، العدة فى أصول (۱۶۸/۱)، تهذیب الأحکام (۴۰۹/۳) و

جدول فراوانی منابع شیعی نام برده شده در التبیان

عنوان	تعداد	عنوان	تعداد	عنوان	تعداد
وزیر المغربي	۵۸	ابوالجارود	۱۳	علی بن الحسین الموسوی المعروف بالمرتضی	۵
علی بن ابراهیم	۲	الخلیل یا (صاحب العین)	۶۰	الواقدی	۱۵
جابر (بن یزید جعفی)	۶				

نام هیچ یک از مؤلفان شیعی متقدم همچون عیاشی، فرات کوفی، شیخ مفید، برقی، کلینی، شیخ صدوق و دیگر مؤلفان و راویان شیعی در التبیان ذکر نشده است.

جدول فراوانی نام برخی از منابع روایی و غیرروایی در التبیان^۱

عنوان	تعداد	عنوان	تعداد	عنوان	تعداد
الجبایی	۷۵۸	الزجاج	۹۲۸	الازهری	۴۳
البلخی	۳۹۳	الفراء	۶۸۸	ابن درید	۳۲
علی بن عیسی الرمانی	۳۳۰	الکسائی	۳۹۴	الاصمعی	۳۱
الطبری ^۲	۱۶۵	ابوعبیده عمر بن مثنی	۳۰۰	مفضل بن سلمه	۲۱
ابومسلم اصفهانی	۳۶	سیبویه	۱۴۵	قطرب	۱۷
النقاش	۸	المبرد	۱۲۵	ابوالاسود دلی	۱۱
ابن اسحاق	۱۲۰	ابوعلی فارسی	۹۴	المازنی	۱۱
ابوبکر الرازی، جصاص	۴	الآخفش	۸۹		

خلاصه سخن اینکه، روایات اهل بیت (ع) در التبیان را می توان در میان این منابع جست و جو کرد: تفاسیر، مجموعه های روایی، منابع غیرروایی (تاریخ، ادبیات، قرائت)، منابع غیر شیعی. برخی از این منابع به صورت قطعی توسط شیخ طوسی استفاده شده است و در برخی منابع، احتمال استفاده شیخ از آن ها وجود دارد.^۳

۱. شیخ طوسی به غیر از تفسیر طبری، گاهی از برخی این منابع، اندک روایاتی را نقل کرده است. همچنین آمار جدول ها بر اساس جست و جوی نام ها در تفسیر التبیان با استفاده از نرم افزار جامع التفاسیر به دست آمده است.

۲. مواردی از نقل های طبری نیز با عنوان ابن جریر و گاه بدون اشاره به نام طبری نقل شده است که در این آمار نیامده است.

۳. احتمالی دانستن این منابع صرفاً به این دلیل است که ممکن است منابعی در اختیار شیخ بوده و از آن ها استفاده کرده است، اما از آن ها نام نبرده است. این

۲. منابع قطعی

مقصود از منابع قطعی روایی، منابعی است که شیخ طوسی از آن‌ها نام برده است یا با جست‌وجو و تطبیق روایات التبیان می‌توان نتیجه گرفت که روایت عیناً از آن‌ها نقل شده است. با جست‌وجو در روایات در نقل التبیان چنین به دست می‌آید که افزون بر استفاده از کتاب‌های تفسیری و مجامع روایی از منابع دیگری مانند کتاب‌های لغت، سیره و تاریخ نیز استفاده شده است، هرچند تعداد روایات نقل شده از کتاب‌های سیره و تاریخ به دلیل بررسی اسباب نزول آیات و تاریخ پیامبر اسلام (ص) بیشتر و در مقابل، روایات نقل شده از کتاب‌های لغت کمتر است و در بیشتر موارد نیز از آن‌ها به‌عنوان شاهد قرآنی استفاده شده است. در ادامه به این منابع و روایت‌های آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. **تفسیر علی بن ابراهیم قمی:** ابوالحسن علی بن ابراهیم بن هاشم قمی^۱ (زنده در قرن سوم هجری) از راویان معتبر شیعه به شمار می‌آید. خوبی در بیان جایگاه وی می‌نویسد: نام وی در اسناد حدود ۷۱۴۰ روایت در مجامع حدیثی کهن شیعه واقع شده و حدود ۶۲۱۰ روایت را از پدر خود ابراهیم بن هاشم روایت کرده است (۱۹۴/۱۱). نجاشی در معرفی آثار او از کتاب التفسیر نیز نام برده است (۱۶۰).

تفسیر قمی^۲ از جمله مصادر است که شیخ طوسی در نقل روایات و اقوال تفسیری بدان توجه داشته و برخی روایات را از آن نقل کرده است؛ یکی در تفسیر آیه «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا» (نساء: ۱۵۹) که پس از اشاره به دیدگاه مفسران عامه درباره ایمان آوردن همه یهودیان به حضرت عیسی در زمان قیام حضرت مهدی (ع) می‌نویسد: «و اختاره الطبري قال: والآية خاصة لمن يكون في ذلك الزمان و هو الذي ذكره علي بن ابراهيم في تفسير أصحابنا» (طوسی، ۳/۳۸۶) که این روایت در تفسیر قمی دیده می‌شود (قمی، ۱/۱۵۸) و دیگری در تفسیر آیه ۴۴ سوره اسراء که می‌نویسد: «و قال الحسن: المعنى: و إن من شيء من الأحياء إلا يسبح بحمده و قال علي بن ابراهيم و غيره من اهل العلم: كل شيء على العموم يسبح بحمده حتى صرير الباب» (طوسی، ۶/۴۸۳). این مطلب با تفاوتی اندک در تفسیر قمی نقل شده است (قمی، ۲/۲۰). شیخ طوسی برخی روایات را نیز بدون اشاره به تفسیر قمی نقل کرده است که این روایات تنها در این تفسیر نقل شده‌اند (طوسی، ۳/۱۰؛ ۴/۱۶۳؛ ۵/۳۱۷؛ ۶/۴۹۴ و...). همین موارد در تفسیر قمی ذکر شده است (۱/۱۲۰ و ۲۰۳ و ۳۰۷؛ ۲/۲۱).

منابع اکنون در اختیار ما نیست و به دست ما نرسیده است و مطالب موجود در تفسیر شیخ در منابع موجود یافت می‌شود.

۱. بحث بر سر تفسیر علی بن ابراهیم موجود و انتساب بخشی یا همه آن به قمی بحثی جدی است و پژوهشگران شیعه از جمله آقا بزرگ تهرانی و آیت‌الله سیدموسی شبیری به این بحث پرداخته‌اند (مقدمه تفسیر قمی) و اثبات این انتساب و روایات کتاب به نقل علی بن ابراهیم مجال دیگری می‌طلبد. البته ملاک ما در تطبیق روایات تفسیر موجود قمی است.

۲. در انتساب همه تفسیر موجود به علی بن ابراهیم اختلاف نظر وجود دارد (آقا بزرگ تهرانی، ۳۰۳/۴؛ شبیری، ۵۰؛ دانشنامه جهان اسلام، ۷/۷۰۲).

ب. *المصابیح فی تفسیر القرآن*، نوشته حسین بن علی المغربي: ابوالقاسم الحسین بن علی بن الحسین، معروف به وزیر مغربی (۳۷۰ تا ۴۱۸ ق) از مفسران شیعه است (نجاشی، ۶۹). وی ادیب، شاعر، سیاستمدار و وزیر در حکومت‌های مختلف فاطمی، آل بویه بوده و از جایگاهی درخور توجه در سیر تاریخ تفسیر شیعه برخوردار است. آثار و تألیفات زیادی برای وزیر مغربی شمرده شده و از جمله آن‌ها تفسیر «المصابیح فی تفسیر القرآن العظیم»^۱ است که از منابع مورد استفاده شیخ طوسی است و در نقل روایات بسیار به آن توجه داشته است.

نام مغربی ۵۸ بار در التبیان تکرار شده است.^۲ از این موارد ۵ مورد روایت تفسیری و ۵۳ مورد دیگر، نقل اقوال تفسیری و ادبی مغربی است. افزون بر این موارد، روایات دیگری نیز در التبیان وجود دارد که با جست‌وجو و تطبیق واژگان می‌توان دریافت از تفسیر المصابیح نقل شده است، اما شیخ طوسی هنگام نقل آن‌ها نامی از مغربی نبرده است؛ مثلاً ذیل آیه ۱۴ بقره در تبیین مصادیق «شیاطینهم» آورده است: «و قیل: إن شیاطینهم: رؤساؤهم و قیل: أريد بهم أصحابهم من الكفار و روی عن أبي جعفر (ع): أنهم كهانهم» (طوسی، ۷۹/۱). روایت منسوب به امام باقر (ع) در تفسیر مغربی نقل شده است (وزیر مغربی، ۱۰۴/۱). موارد دیگر این نقل‌ها عبارت‌اند از: طوسی (۷۹/۱ و ۳۲۲ و ۳۸۹؛ ۱۶/۲ و ۶۹ و ۱۹۵؛ ۴۰۰/۴ و...) و همین موارد در المصابیح (۴۵۲، ۲۲۶، ۱۹۹، ۱۹۴، ۱۷۴، ۱۵۷، ۱۰۴).

یادآور می‌شود که نسخه موجود تفسیر المصابیح تا پایان سوره اسراء است و معلوم نیست که آیا شیخ به تمامی المصابیح دسترسی داشته یا نسخه کنونی آن را در اختیار داشته است؟ در هر صورت، آخرین نام از مغربی در التبیان در تفسیر آیه یازدهم سوره یونس برده شده است و اهمیت وزیر مغربی و تفسیرش به این دلیل است که وی نخستین مفسر شیعی است که علاوه بر نقل روایات تفسیری ائمه (ع)، اقوال تفسیری صحابه و تابعین را از منابع اهل سنت گزارش می‌کند و در عین حال به آرای اندیشمندان معتزله توجه دارد و گاه آرای آن‌ها را نقد و بررسی می‌کند و در تفسیر خود به مسائل ادبی، لغوی آیات توجه بسیار نشان می‌دهد (کریمی‌نیا، ۳)، روشی که با بسط و توسعه بیشتر در التبیان ادامه یافته است.

شیخ طوسی ذیل آیه: «فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَيْسَتْ رَأْيًا بِهِ تَمَنَّا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ» (بقره: ۷۹) در تبیین اعمال یهود در تحریف دین می‌نویسد: «و روی عن أبي جعفر (ع)، و ذكره ايضا جماعة من اهل التأويل أن أحبار اليهود كانت غيرت

۱. در معالم العلماء همین نام را برای تفسیر مغربی ذکر کرده است (ابن شهر آشوب، ۱۷۲)، اما نجاشی نام این کتاب را خصائص القرآن ضبط کرده است (نجاشی، ۶۹).

۲. برای نمونه دیدگاه‌های مغربی در التبیان نک: طوسی، ۵۹/۱ و ۱۲۹ و...؛ ۲۷۵/۲ و...؛ ۲۲/۳ و ۳۱ و ۱۰۴؛ وزیر مغربی، ۱۰۱، ۱۱۵، ۲۳۸، ۲۷۳، ۲۷۴، (۲۹۱).

صفة النبي (ص) لیوقعوا الشک للمستضعفين من اليهود» (التبیان، ۳۲۲/۱). این روایت در تفسیر المصابیح نقل شده است (وزیر مغربی، ۱۵۷)، چنان‌که بعد از التبیان با تغییری اندک در مجمع البیان نقل شده (طبرسی، ۲۹۲/۱) و از آنجا به تفاسیر روایی متأخر راه یافته است (حویزی، ۹۳/۱؛ قمی مشهدی، ۶۲/۲). شیخ طوسی نیز در تفسیر آیه «وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّا كَرِهْنَا فَنَتَّبِعَهُم مِّنْهُمْ كَمَا تَبَرَّأْنَا مِمَّا كَذَبَكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسْرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ» (بقره: ۱۶۷) در معرفی کسانی که با مشاهده اعمالشان دچار حسرت می‌شوند، می‌نویسد: «و روی عن أبي جعفر (ع) أنه قال: هو الرجل يكتسب المال، ولا يعمل فيه خيراً، فيرثه من يعمل فيه عملاً صالحاً، فيرى الأول ما كسبه حسرة في ميزان غيره» (طوسی، ۶۹/۲). این روایت فقط با تفاوت واژه «فیریه» به جای «فیرته» در تفسیر مغربی آمده است (وزیر مغربی، ۱۹۹) و از تفسیر التبیان نیز به تفاسیر دیگر راه یافته است (طبرسی، ۴۵۸/۱؛ قمی مشهدی، ۲۱۶/۲؛ حویزی، ۱۵۲/۱؛ بحرانی، ۳۷۰/۱).

لازم به ذکر است که روایت المصابیح به شکل مفصل در منابع دیگر دیده می‌شود: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي قَوْلِ اللَّهِ (كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسْرَاتٍ عَلَيْهِمْ) قَالَ: هُوَ الرَّجُلُ يَدْعُ الْمَالَ لَا يَنْفِقُهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ بُخَالًا - ثُمَّ يَمُوتُ فَيَدْعُهُ لِمَنْ هُوَ يَعْمَلُ بِهِ - فِي طَاعَةِ اللَّهِ أَوْ فِي مَعْصِيَتِهِ، فَإِنْ عَمِلَ بِهِ فِي طَاعَةِ اللَّهِ رَأَى فِي مِيزَانٍ غَيْرِهِ - فِرَادَةَ حَسْرَةٍ وَقَدْ كَانَ الْمَالُ لَهُ، أَوْ مَنْ عَمِلَ بِهِ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ قَوَاةً بِذَلِكَ الْمَالِ حَتَّى أَعْمَلَ بِهِ فِي مَعَاصِيِ اللَّهِ» (عیاشی، ۷۳/۱؛ کلینی، ۴۲/۴). نمونه‌های متعددی در التبیان (۳۸۹/۱، ۲۸۵/۳، ۱۶۷/۴ و ۱۷۷، ۶/۵ و ۲۴۴) و نیز در المصابیح (۱۷۴، ۳۲۹، ۴۲۴، ۴۲۶، ۴۷۰، ۵۲۱) می‌توان یافت.

ج. کتاب ابو عبد الله محمد بن عمر الواقدي: ابو عبد الله محمد بن عمر الواقدي (م ۲۰۷ ق) از جمله مورخان مشهور است. ابن ندیم وی را شیعه دانسته و آثار زیادی به‌ویژه در تاریخ برای او نام برده است. اخبار واقدي، المغازی و اخبار مکه از جمله آثار اوست (ابن ندیم، ۱۴۴). برخی کتاب تفسیری نیز به وی نسبت داده‌اند (زرکلی، ۱۱۱/۶). کتاب واقدي از منابع تاریخی روایی التبیان است که برخی روایات تاریخی، سیره پیامبر و اسباب نزول آیات از آن نقل شده است. الواقدي ۱۵ بار در التبیان نام برده شده است. شیخ طوسی با عنوان «و الحدیث مشروح فی کتاب الواقدي» از اثر وی نام برده و به‌طور مشخص نام کدام کتاب را ذکر نکرده است (طوسی، ۲۶۱/۵)؛ برای نمونه، در بیان سبب نزول آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا...» (نساء: ۹۴)، اقوال مفسران را نقل می‌کند و درباره سبب نزول آیه می‌نویسد: «و قال ابو عمرو الواقدي و ابن اسحاق: نزلت في عامر بن الأضبط الأشجعي لقيته سرية لأبي قتادة فسلم عليه فشد محلم بن جثامة فقتله لإحنة كانت بينهم ثم جاء النبي (ص) و سأل ان يستغفر له فقال النبي (ص) لا غفر الله لك و انصرف باكياً فما مضت عليه سبعة أيام حتى هلك فدفن، ثم لفظته الأرض فجاءوا إلى

النبي (ص) و أخبروه فقال (ع): إن الأرض تقبل من هو شر من محلم صاحبكم، لكن الله أراد أن يعظم من حرمتكم، ثم طرحوه بين صد في جبل، و القوا عليه الحجارة، فنزلت الآية» (همان، ۲۹۸/۳). این سبب نزول با اختلاف اندکی در الفاظ در المغازی واقدی نقل شده است (واقدی، ۷۹۷/۲؛ نک: طوسی، ۳/۲؛ ۵۷۸/۵ و ۱۴۶ و ۲۶۰ و ۴۶۴). همین موارد در المغازی نیز دیده می‌شود (واقدی، ۴۴/۱ و ۱۷۷؛ ۱۹۵/۳؛ ۱۰۶/۸).

د. کتاب العین، نوشته خلیل بن احمد فراهیدی: خلیل بن احمد فراهیدی (م ۱۷۰ق) از بزرگان ادب و لغت شناخته می‌شود. برخی وی را شیعه دانسته‌اند (حلی، ۱۴۲؛ علامه حلی، ۶۷). کتاب العین وی از کهن‌ترین منابع لغت و واژه‌شناسی است. این کتاب از جمله منابع شیخ طوسی است که در بررسی واژگان از آن بهره برده و نام آن را به‌صراحت ذکر کرده است. عنوان «صاحب العین»^۱ ۷۸ بار و «الخلیل» نیز ۶۰ بار در التبیان تکرار شده است.

مواردی از روایات در التبیان وجود دارد که بلافاصله بعد از واژه‌شناسی نقل شده است. این روایات از پیامبر (ص) نقل شده است؛ برای نمونه، در بررسی معنایی واژه «تحت» در آیه ۲۶۶ سوره بقره این‌گونه آورده است: «مَنْ تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ» و تحت، تقيض فوق است و در حدیث آمده است: «لا تقوم الساعة حتى يظهر التحوت أي الذين كانوا تحت أقدام الناس لا يشعر بهم ذلاً» (طوسی، ۳۴۱/۲). این توضیحات به همراه همین روایت دقیقاً در العین نقل شده است (فراهیدی، ۲۱/۳). برخی نمونه‌های دیگر عبارت‌اند از: طوسی (۲۱۶/۱ و ۲۳۹ و ۴۲۲ و ۴۸۰) و فراهیدی (۱۸/۷؛ ۴۵۸/۲؛ ۴۴۸/۳؛ ۳۹/۵).

ه. جامع البیان فی تفسیر القرآن، نوشته محمد بن جریر طبری: به این نکته باید توجه داشت که شیخ طوسی برخی روایات اهل بیت (ع)، به‌ویژه روایات پیامبر و حضرت علی (ع) را از جامع البیان طبری نقل کرده است، گرچه تعداد این روایات زیاد نیست. مقبولیت تفسیر جامع البیان در میان دانشمندان اهل سنت، رویکرد تقریبی و جامع نگر شیخ طوسی در بهره‌گیری از تألیفات اندیشمندان مسلمان در تفسیر التبیان در بهره‌گیری از جامع البیان تأثیر جدی داشته است؛ برای نمونه، شیخ طوسی در تفسیر آیه «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ...» (الأنفال: ۴۱) به تفاوت «فیء» و «خمس» اشاره و نظر فقهی شیعه را مطرح کرده است. وی در ادامه، روایتی را از امام سجاد و امام باقر (ع) به نقل از تفسیر طبری آورده است «و عند أصحابنا ان مال الفیء للإمام خاصة یفرقه فیمن شاء بعضه فی مؤونة نفسه و ذوی قرابته و الیتامی و المساکین و ابن السبیل من اهل بیت رسول الله لیس لسائر الناس فیہ شیء. و اما خمس الغنیمه، فانه یقسم عندنا سته اقسام: فسهام لله، و سهم لرسوله

۱. بیشتر این نقل‌ها در جلد ۱ و ۲ التبیان است و یک نقل در جلد ۶ و ۱۰ وجود دارد.

للنبي، و هذان السهمان مع سهم ذي القربى، للقائم مقام النبي (ص) ينفقها على نفسه و أهل بيته من بنى هاشم، و سهم لليتامى: و سهم للمساكين: و سهم لأبناء السبيل من أهل بيت الرسول لا يشركهم فيها باقى الناس لأن الله تعالى عوضهم ذلك عما أباح لفقراء المسلمين و مساكينهم و أبناء سبيلهم من الصدقات إذ كانت الصدقات محرمة على أهل بيت الرسول (ع) و هو قول على بن الحسين بن على بن أبى طالب، و محمد بن على الباقر ابنه (ع) رواه الطبرى بإسناده عنهما «التبيان، ۱۲۳/۵». مضمون این روایت در جامع البيان نقل شده است (۷/۱۰؛ نک: طوسی، ۳۱۱/۱؛ ۱۱۷/۲؛ ۲۵۵/۶؛ ۳۵۱/۸؛ ۲۶۲/۹؛ ۹۸/۱۰). همین موارد در جامع البيان نیز دیده می شود (طبرى، ۲۸۹/۱؛ ۸۹/۲؛ ۱۰۴/۱۳؛ ۱۷/۲۲؛ ۹۵/۲۵؛ ۳۵/۲۹).

۳. منابع احتمالی

منابع احتمالی منابعی است که شواهدی بر استفاده آن‌ها توسط شیخ طوسی وجود دارد؛ ولی به صورت قطعی نمی توان گفت مؤلف از آن‌ها استفاده کرده است.

۳.۱. تفاسیر

بخشی از منابع احتمالی تفسیر التبیان، تفاسیر شیعه هستند که احتمالاً شیخ طوسی بدان‌ها توجه داشته یا این تفاسیر را در اختیار داشته است.

أ. التفسیر، نوشته ابونصر محمد بن مسعود عیاشی: التفسیر، نوشته ابونصر (ابوالنصر) محمد بن مسعود عیاشی (م ۳۲۰ق)، از تفاسیر کهن شیعه است که تفسیر روایی قرآن است و تا پایان سوره کهف را شامل می شود؛ اما با توجه به برخی روایات موجود در آثار دوره های بعد می توان گفت: این تفسیر شامل تفسیر همه قرآن بوده است (حسکانی، ۴۶۹/۱ و ۴۸۰ و ۵۰۵).

شیخ طوسی در التبیان از این تفسیر نام نبرده است؛ ولی تطبیق برخی روایات با مصادر متقدم نشان می دهد که وی برخی روایات خود را از آن نقل کرده است؛ برای نمونه، در تفسیر عبارت «الَّذِينَ آمَنُوا» الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ...» (بقره: ۱۲۱) می نویسد: «روى عن أبى عبد الله (ع) حق التلاوة: الوقوف عند ذكر الجنة و النار» (۴۴۲/۱). این روایت دقیقاً با همین الفاظ فقط در تفسیر عیاشی نقل شده است (عیاشی، ۵۷/۱). در تفسیر آیه «يا أيها الذين آمنوا استجيبوا لله و للرسول إذا دعاكم لما يحييكم و اعلموا أن الله يحول بين المرء و قلبه و أنه إليه تحشرون» (انفال: ۲۴) نیز یکی از تفسیرهای آیه را دگرگونی قلب از حالی به حال دیگر توسط خداوند مقلب القلوب می داند و می نویسد: «روى عن أبى عبد الله عليه السلام فى معنى قوله «يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ» قال لا يستيقن القلب أن الحق باطل أبداً و لا يستيقن أن الباطل حق أبداً» (طوسی، التبیان، ۱۰۱/۵). عیاشی این روایت را از یونس بن عمار در تفسیر آیه آورده است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

قَالَ لَا يَسْتَيِّقُنُ الْقَلْبُ أَنَّ الْحَقَّ بَاطِلٌ أَبَدًا، وَلَا يَسْتَيِّقُنُ أَنَّ الْبَاطِلَ حَقٌّ أَبَدًا» (عیاشی، ۵۳/۲؛ نک: طوسی، ۱۴۲/۲ و ۱۵۳ و ۵۴۴؛ ۷۶/۴؛ عیاشی، ۸۶/۱ و ۱۵۳ و ۱۸۷ و ۱۹۴).

ب. **تفسیر ابی الجارود:** زیادبن منذر، مکنی به ابوالجارود،^۱ از امام سجاد، امام باقر و امام صادق (ع) روایت نقل کرده است (خویی، ۷۷/۲۱). کشتی روایاتی مبنی بر ذم وی نقل کرده است (۲۳۰)، ولی نجاشی و طوسی فقط به معرفی او بدون مدح و ذم پرداخته‌اند (نجاشی، ۱۷۰؛ طوسی، ۱۳۵). برای او کتاب تفسیری نام برده شده است (نجاشی، ۱۷۰) و ابن ندیم، روایات منقول از ابی الجارود را با عنوان «کتاب الباقر محمد بن علی بن الحسین (ع) رواه عنه أبو الجارود زیاد بن المنذر رئیس الجارودية الزيدية» نام برده است (ابن ندیم، ۵۰). این تفسیر اکنون موجود نیست.^۲

در التبیان بدون هیچ اشاره‌ای به تفسیر او، ۱۳ روایت با عنوان «ابی الجارود نقل شده است (طوسی، ۱۱۲/۳ و ۱۴۹ و ۳۲۳). برخی از این روایات در تفسیر قمی به نقل از ابی الجارود آمده است (قمی، ۱۳۱/۱ و ۱۳۴ و ۱۵۲)، اما برخی از این روایات در تفسیر قمی موجود نیست (طوسی، ۳/۲؛ ۱۴۱/۵۳ و ۲۱۵ و ۲۹۰ و ۳۱۰) و نشان می‌دهد شیخ طوسی این روایات را از منبع دیگری نقل کرده است.^۳ برخی پژوهشگران معتقدند آرای منقول از ابوالجارود پس از اقوال و آرای تفسیری صحابه و تابعین نقل شده است و هیچ نشانی از جانبداری از اعتقادات شیعه در آن‌ها وجود ندارد (کریمی‌نیا، ۹۱).

نکته درخور توجه اینکه ۱۲ مورد از روایات ابوالجارود در جلد سوم التبیان نقل شده است. احتمالاً شیخ طوسی در زمان نگارش جلد سوم، به تفسیر وی یا کتابی که حاوی روایات ابوالجارود بوده است، دسترسی داشته است؛ برای نمونه در آیه «و اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ مِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَ اطَعْنَا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» (مانده: ۷)، در تبیین میثاقی که خداوند از بندگان خود گرفته است، می‌نویسد: «و قال ابوالجارود عن ابی جعفر (ع) الميثاق هو ما بين لهم في حجة الوداع من تحريم كل مسكر و كيفية الوضوء على ما ذكره الله و غير ذلك و نصب امير المؤمنين (ع) اماماً للخلق» (طوسی، ۴۶۰/۳). در تفسیر قمی بدون اشاره به نام ابوالجارود به صورت کلی مراد از میثاق را ولایت دانسته است: «و قوله وَ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ مِيثَاقَهُ - الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ قال لما أخذ رسول الله (ص) الميثاق عليهم بالولاية» (قمی، ۱۶۳/۱). نمونه‌های بیشتری نیز در التبیان وجود دارد (۱۱۲/۳ و ۱۴۹ و ۳۰۳ و ۳۰۶ و

۱. از او به‌عنوان بنیان‌گذار فرقه جارودیه نام برده شده است. منابع زیادی از او نام برده‌اند، اما انبوه خلط میان او و دیگران بر ناهمخوانی مانده شخصیت او افزوده است (دانشنامه بزرگ اسلامی، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، برگرفته از مقاله ابوالجارود، ۲۸۹/۵). نام او در اسناد روایات مصادری همچون المحاسن، بصائر الدرجات، تفسیر فرات کوفی، تفسیر عیاشی، الکافی و... دیده می‌شود.

۲. مجموعه‌ای از روایات نقل شده از ابی الجارود در مصادر مقدم توسط آقای علیشاه علی‌زاده در کتابی با مشخصات زیر جمع‌آوری شده است: (ابوالجارود، زیادبن منذر، تفسیر ابی الجارود و مسنده، گردآوری و تحقیق علیشاه علی‌زاده، قم: انتشارات دار الحدیث، ۱۴۳۴ق)

۳۲۳ و ۴۴۶ و ۴۶۰) و برخی از این موارد در تفسیر قمی (۱۳۱/۱ و ۱۳۴).

ج. جابر بن یزید جعفی: جابر بن یزید جعفی یکی از این راویان شیعی است که در التبیان شش مرتبه نام او به صورت (روی عن جابر)^۱ در نقل روایات امام باقر (ع) آورده شده است. تطبیق روایات با مصادر متقدم نشان می‌دهد، منظور جابر بن یزید جعفی است. وی، در کتب رجال از اصحاب امام باقر و امام صادق (ع) شمرده شده است (نجاشی، ۱۲۸) و شیخ طوسی در الفهرست برای او کتابی در تفسیر ذکر کرده است (۱۱۶).^۲ شیخ در تفسیر آیه ۱۸۹ بقره در بیان معنای «وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ» یکی از دیدگاه‌های مطرح شده در تفاسیر را انجام کارهای نیک به صورتی که خدا امر کرده است می‌داند و به روایتی از امام باقر (ع) استشهاد می‌کند: «وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا. أَيِ أَتُوا الْبِرَّ مِنْ وَجْهِهِ الَّذِي أَمَرَ اللَّهُ بِهِ، وَرَغَبَ فِيهِ، وَ هَذَا الْوَجْهُ حَسَنٌ. وَ رَوَى جَابِرٌ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (ع) فِي قَوْلِهِ: «وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ. الْآيَةُ، قَالَ: يَعْنِي أَنْ يَأْتِيَ الْأَمْرُ مِنْ وَجْهِهِ أَيْ الْأَمْرُ» (۱۴/۲). این روایت در مصادر متقدم به نقل از جابر بن یزید نقل شده است (عیاشی، ۸۶/۱؛ برقی، ۲۲۴/۱). در سند المحاسن عمر بن شمر آمده است که از راویان جابر بن یزید در نقل حدیث است (نک: طوسی، ۱۴۲/۲ و ۱۶۸؛ ۲۴۴/۵؛ ۳۸۴/۶؛ ۱۳/۹ و ۵۴۴). برخی از این موارد در دیگر منابع نیز وجود دارد (نک: کلینی، ۲۱۲/۱؛ عیاشی، ۲۶۰/۲).

د. تفسیر فرات بن ابراهیم کوفی: ابوالقاسم، فرات بن ابراهیم بن فرات کوفی (م ۳۰۷ق) از شخصیت‌های دوران غیبت صغری است. وی از راویان حدیث و از اصحاب امام جواد، امام هادی و امام عسکری (ع)، معرفی شده است و روایات فراوانی از حسین بن سعید اهوازی نقل می‌کند و همچنین شیخ صدوق و پدرش روایات زیادی از فرات نقل می‌کنند (خویی، ۲۵۲/۱۳). احتمال دارد با توجه به اینکه نامی از فرات بن ابراهیم در کتب رجالی متقدم نیامده است، شیخ طوسی به این تفسیر توجهی نداشته است؛ اما گاه در تطبیق روایات التبیان، تشابه آن‌ها با روایات تفسیر فرات مشاهده می‌شود؛ برای نمونه، پس از تبیین معنایی آیه «...قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر: ۹) آورده است: «(روی جابر عن ابی جعفر (ع) فی تفسیر هذه الآية انه قال: نحن الذين يعلمون وعدونا الذين لا يعلمون» (طوسی، ۱۳/۹). این روایت با اضافه «وَشِيعَتُنَا أُولُوا الْأَلْبَابِ» در تفسیر فرات نقل شده است

۱. این نکته را باید یادآور شد که روایات دیگری با عنوان روی عن جابر نقل شده است که جابر، صحابی پیامبر منظور است. روایات این صحابی گاه با عنوان جابر بن عبدالله نقل شده (طوسی، ۴۶۱/۱؛ ۴۵۳/۳ و...) و گاه نام او در میان روایات، صحابه ذکر شده است (همان، ۴۲۷/۱، ۲۲۴/۲ و ۵۷۷ و...). و گاه سیاق روایت، مربوط به زمان پیامبر (ص) است (همان، ۱۵۹/۲، ۵۱/۳ و ۹۳ و...). این موارد، روایات جابر صحابی پیامبر را از روایات جابر بن یزید جعفی مشخص می‌سازد.

۲. شیخ با ذکر سند مشخص می‌کند که به روایات کتاب جابر آگاهی داشته است (وله کتاب التفسیر. آخرینها به جماعة من اصحابنا، عن ابی محمد هارون بن موسی التلعکبری، عن ابی علی بن همام، عن جعفر بن محمد بن مالک و محمد بن جعفر الرزاز، عن القاسم بن الربیع، عن محمد بن سنان، عن عمار بن مروان، عن منخل بن جمیل، عن جابر) (طوسی، فهرست، ۱۱۶).

(کوفی، ۳۶۴؛ نک: طوسی، ۴۴۱/۲ و ۴۵۸؛ ۹۸/۱۰ و...). همین موارد در تفسیر فرات نیز دیده می‌شود (کوفی، ۷۸ و ۸۵ و ۵۰۰).

۵. **تألیفات سیدمرتضی:** ابوالقاسم علی بن حسین بن موسی (۳۵۵ تا ۴۳۶ ق)، معروف به سیدمرتضی و علم الهدی از بزرگان شیعه در قرن ۴ و ۵ است. از جمله آثار قرآنی سیدمرتضی می‌توان به «تفسیر نفائس التأویل»، «المحکم و المتشابه» اشاره کرد (نجاشی، ۲۷۱). با توجه به شاگردی شیخ طوسی نزد سیدمرتضی، بدون شک آثار استادش را در اختیار داشته و از آن‌ها در نگارش التبیان استفاده کرده است. نام علی بن الحسین الموسوی المعروف بالمرتضی «پنج مرتبه در التبیان همراه با دیدگاه تفسیری وی آمده است (طوسی، ۵/۲ و ۹؛ ۳۹۸/۹؛ ۱۴۹/۴۲)؛ از جمله در ابتدای التبیان در بحث عدم تحریف و تأیید آن از سیدمرتضی نام می‌برد (۳/۱)، با این حال نام سیدمرتضی در نقل روایات دیده نمی‌شود و فقط در جست‌وجو و تطبیق یک روایت به تفسیر سیدمرتضی می‌رسیم. شیخ طوسی در ذیل آیه «أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ» (بقره: ۲۰۲) می‌نویسد: «روى عن علی (ع) أنه قال: معناه إنه يحاسب الخلق دفعة كما يرزقهم دفعة» (۱۷۴/۲). این روایت در امالی و نهج البلاغه با افزایش الفاظ آمده است: «وَسُئِلَ (ع) كَيْفَ يُحَاسِبُ اللَّهُ الْخُلُقَ عَلَى كَثْرَتِهِمْ فَقَالَ (ع) كَمَا يَرْزُقُهُمْ عَلَى كَثْرَتِهِمْ فَقِيلَ كَيْفَ يُحَاسِبُهُمْ وَلَا يَرْزُقُهُ فَقَالَ (ع) كَمَا يَرْزُقُهُمْ وَلَا يَرْزُقُهُ» (علم الهدی، ۱۴۸/۱؛ شریف رضی، ۵۲۸). نمونه‌های دیگری از روایات که احتمال نقل آن‌ها از آثار سیدمرتضی وجود دارد، عبارت‌اند از: (طوسی، ۱۵۰/۱ و ۴۱۸؛ ۲۳۹/۲؛ علم الهدی، ۴۰۷/۱ و ۵۳۴؛ ۱۴۰/۲).

۲.۳. منابع روایی و حدیثی

بخش دیگری از منابع احتمالی شیخ طوسی، مجموعه‌های روایی است. وی، نام هیچ‌کدام از مجموعه‌های حدیثی غیرتفسیری شیعه و اهل سنت، همچون کتب اربعه یا صحاح سته و مؤلفان آن‌ها را در التبیان ذکر نکرده است.^۲ این در حالی است که شیخ طوسی در بغداد می‌زیسته و به این کتاب‌ها دسترسی داشته است. البته با توجه به کاربرد تعبیری مانند «روایاتنا»، «ما رواه أصحابنا»، «روى عن أئمتنا»، «المروى عن أئمتنا» و «المروى فى أخبارنا» در التبیان چنین به دست می‌آید که شیخ طوسی به مجموعه‌های روایی شیعه دسترسی و توجه داشته است، اما به دلایلی از انعکاس مستقیم آن‌ها در تفسیر خود پرهیز کرده است. در تطبیق این موارد با روایات اهل بیت (ع) در مصادر متقدم شیعه می‌توان دریافت

۱. همین روایت در این منابع نیز آمده است (کلینی، ۲۱۲/۱؛ صفار، ۵۴/۱).

۲. شیخ طوسی فقط در یک مورد به کتاب تهذیب الأحکام خود اشاره کرده است (طوسی، التبیان، ۴۰۹/۳).

که کتاب‌هایی همچون المحاسن، الکافی و برخی آثار شیخ صدوق، بصائر الدرجات^۱ و دعائم الاسلام ابن حیون مغربی و... از منابعی است که شیخ طوسی در نقل روایات خود از آن‌ها استفاده کرده است. در ادامه برخی از این منابع ذکر می‌شود.

أ. **الکافی**: کلینی از محدثان نامدار شیعه در قرن چهارم هجری است که کتاب روایی او به نام کافی از کتب اربعه شیعه به شمار می‌آید. وی، اولین کسی است که شیخ طوسی در المشیخه تهذیب، طریق خود به آن را ذکر کرده است (طوسی، المشیخه، ۴). شیخ، سند خود را با دو طریق شیخ مفید از ابوالقاسم ابن قولویه و حسین بن عبیدالله غضائری از ابی غالب احمد بن محمد و دیگران به روایات کافی می‌رساند (همان، ۱۱۵ تا ۱۱۶). بنابراین، وی به روایات این کتاب اشراف داشته و از آن نیز در التبیان استفاده کرده است؛ چنان‌که در تطبیق و جست‌وجوی برخی روایات تفسیر التبیان، نام کافی مشاهده می‌شود؛ برای نمونه در تبیین امنیت مکه در تفسیر آیه «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ» (بقره: ۱۲۶)، پس از اشاره به دیدگاه برخی مفسران یادآور می‌شود که این مطلب در روایات شیعه نیز آمده است: «قال مجاهد عن ابن عباس و ابوشريح الخزاعي: كان آمنا لقول النبي (ص) حين فتح مكة هذه حرم حرمها الله يوم خلق السماوات والأرض و هو الظاهر في رواياتنا» (طوسی، ۴۵۶/۱). این روایت در کتاب کافی چنین آمده است: «علی بن ابراهیم عن ابيه... قال: قال رسول الله (ص) يوم فتح مكة إن الله حرم مكة يوم خلق السماوات والأرض و هي حرام إلى أن تقوم الساعة لم تحل لأحد قبلي و لاتحل لأحد بعدي و لم تحل لى إلا ساعة من نهار» (کلینی، ۲۲۵/۴؛ ابن بابویه، ۲۴۵/۲). نمونه‌های دیگر در التبیان و کافی نیز آمده است (طوسی، ۴۵۳/۱؛ ۱۵۸/۲؛ ۲۱۴ و ۲۲۸؛ ۱۶۷/۴؛ ۲۹۵/۵؛ ۳۱۴/۷ و...؛ کلینی، ۲۱۹/۱؛ ۵۲/۴ و ۲۲۳ و ۳۵۸؛ ۱۲۲/۵؛ ۴۴۳/۷).

ب. **آثار شیخ صدوق**: شیخ صدوق از جمله محدثان پرکار شیعه و از بزرگان مکتب حدیثی قم و ری است. او در سال ۳۵۵ ق به بغداد آمد و برای دانشمندان این شهر نقل حدیث کرد (نجاشی، ۳۸۹) و همچنین برای جمع احادیث اهل بیت (ع) سفرهای علمی زیادی انجام داد. مجموع این عوامل سبب شد شیخ صدوق برای محدثان شیعه و اهل سنت و نیز اساتید شیخ طوسی و دیگر بزرگان شیعه شناخته شود؛ با این وصف، شیخ طوسی در تفسیر خود هیچ نامی از این محدث نامدار شیعه و آثار وی نبرده است؛ اگرچه در کتب رجالی خود وی را ستوده و آثارش را نام برده (رجال، ۴۳۹؛ الفهرست، ۴۴۲) و همچنین در

۱. برخی پژوهشگران درباره بصائر الدرجات و نویسندگان آن اختلاف نظر دارند و براین عقیده‌اند که نویسندگان آن شخصی غیر از محمد بن حسن صفار است. (انصاری، ۶۳). جدای از اختلاف درباره نویسندگان این کتاب، برخی روایات التبیان را در بصائر الدرجات فعلی می‌توان پیدا کرد.

مشيخه كتاب‌های استبصار و تهذيب نام وی را ذکر کرده است (استبصار، ۳۲۶؛ تهذيب، المشيخه، ۷۴ و ۷۷). در تطبيق روايات التبيان با مصادر متقدم، نام آثاری از شيخ صدوق مشترك با ديگر مجامع حديثي ديده می‌شود، اما به صورت قطعی نمی‌توان گفت شيخ طوسی به این کتاب‌ها توجه داشته است؛ از جمله این آثار عبارت‌اند از: عیون اخبار الرضا(ع)، اعتقادات الإمامیه، کتاب من لایحضره الفقيه، کمال‌الدين و تمام النعمة، الخصال و معانی الأخبار.

برای نمونه، شيخ طوسی در تفسیر آیه «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (بقره: ۳) در بیان مصادیق غیب می‌نویسد: «واما الغیب فحکی عن ابن عباس انه قال: ما جاء من عند الله. و قال جماعة من الصحابة کابن مسعود وغيره: ان الغیب ما غاب عن العباد علمه من امر الجنة و النار و الأرزاق و الأعمال و غیر ذلك، و هو الأولی لأنه عام، و یدخل فيه ما رواه أصحابنا من زمان الغیبه و وقت خروج المهدي(ع)» (۵۵/۱). اشاره روایی شيخ طوسی با عنوان «اصحابنا» را می‌توان در آثار شيخ صدوق یافت: «و عَنْهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ... عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرٍ الرَّقِّيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ. قَالَ: «مَنْ آمَنَ بِقِيَامِ الْقَائِمِ (ع) أَنَّهُ حَقٌّ» (ابن بابویه، ۱۷/۱). تفسیر غیب به زمان قیام قائم در مصادر متقدم، تنها در کتاب اکمال‌الدين و اتمام النعمة آمده است؛ در نتیجه، احتمال استفاده شيخ طوسی از کتب شيخ صدوق تقویت می‌شود. برای نمونه‌های ديگر مراجعه شود به (طوسی، ۲۶۰/۱ و ۴۲۷؛ ۹۷/۲ و ۲۹۴؛ ۱۵۶/۴ و...). این موارد در آثار شيخ صدوق نیز ديده می‌شود (الفقيه، ۵۰۳/۱، معانی الأخبار، ۲۱۵ و ۳۳۲؛ ثواب الأعمال، ۱۴۲؛ الاعتقادات، ۴۸).

ج. آثار شيخ مفید: یکی از نکات درخور توجه در منابع التبيان، عدم یادآوری شيخ از استادش ابو عبد الله، محمد بن محمد بن نعمان (۴۱۳ تا ۳۳۸ ق)، ملقب به شيخ مفید است. جایگاه علمی مفید چنان برجسته است که نه تنها بزرگان شیعه، بلکه اهل سنت وی را ستوده‌اند (ابن حجر عسقلانی، ۳۶۸/۵؛ ابن کثیر، ۱۵/۱۲). آثار وی، نزدیک به ۲۰۰ اثر ذکر شده است که شامل دانش‌های قرآنی و مباحث مرتبط با آن نیز است (نجاشی، ۴۰۳ تا ۳۹۹؛ طوسی، ۴۹۹). شيخ طوسی با اینکه مدتی نزد شيخ مفید شاگردی کرده و از تألیفات وی آگاه بوده است؛ اما در تفسیر التبيان به نام و آثار وی اشاره نکرده است، حال آنکه باتوجه به قرائن و تطبيق متن، اشاره شيخ طوسی به آثار شيخ مفید در برخی موارد به دست می‌آید؛ برای نمونه ذیل آیه «لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ لَكِنَّ الْبِرَّ...» (بقره: ۱۷۷) این گونه آورده است: «و استدلال أصحابنا بهذه الآية على أن المعنى بها أمير المؤمنين(ع)، لأنه لاخلاف بين الأمة أن جميع هذه الخصال كانت جامعة فيه. و لم تجتمع في غيره قطعاً، فهو مراد بالآية بالإجماع» (طوسی، ۹۹/۲).

در این عبارت، شيخ طوسی به استدلال «اصحابنا» اشاره کرده است و باتوجه به آیات و روایات،

ویژگی های مورد اشاره در آیه را در حضرت علی (ع) جمع دانسته است. شیخ مفید نیز در تعیین مصادیق «صادقین» در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (توبه: ۱۱۹) به آیه ۱۷۷ بقره استناد می کند و می نویسد: «سبحانه خصلاً تقتضی لصاحبها بمجموعها التصديق والصدق و دل علی أنه عنی بالصادقین الذین أمروا باتباعهم من جمع الخلال التي عددناها دون غيره و صح بذلك التمييز بين المأمور بالإتباع والمدعو إلى اتباعه و لم نجد أحداً كملت له هذه الخصال المذكورة فی القرآن من اصحاب النبی (ص) سوی امیرالمؤمنین (ع) بتواتر الأخبار و دلائل معانی القرآن...»^۱ (۴۷ تا ۴۹). باتوجه به بیان و استدلال شیخ مفید، به ویژه عبارت «و لم نجد أحداً كملت له هذه الخصال» در تطبیق مفاد آیه با حضرت علی (ع) می توان گفت: مراد شیخ طوسی از «اصحابنا» شیخ مفید بوده است.

در بررسی آرای تفسیری شیخ مفید در کتاب تفسیر القرآن المجید المستخرج من تراث الشیخ المفید^۲ برخی از روایات نقل شده در التبیان در این مجموعه تفسیری مشاهده می شود. برخی از این روایات عبارت اند از:

۱. ذیل آیه ۱۸ سوره سجده: «روی انه لقيه يوماً فقال لعلي: انا ابسط منك لساناً واحداً منك سناناً، فقال علي (ع): ليس كما قلت يا فاسق. فنزل قوله أ فَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا...» (طوسی، ۳۰۵/۸؛ ایازی، ۵۰۶).

۲. ذیل آیه ۴۱ سوره بقره: «روی عن النبی (ص): من سن سنة حسنة فله أجرها و اجر من عمل بها الي يوم القيامة و من سن سنة سيئة كان عليه وزرها و وُزِر من عمل بها الي يوم القيامة» (طوسی، ۱۸۷/۱؛ ایازی، ۵۵۰؛ مفید، الفصول المختاره، ۱۳۶).

۳. ذیل آیه ۹۶ سوره بقره: «روی عن علي (ع) انه قال: لا ابالي سقط الموت علي او سقطت علي الموت و قال: اللهم سئمتهم و سئمتوني: فابدلني بهم خيراً منهم و ابدلهم بي شراً مني»^۳ (طوسی، ۳۶۱/۱؛ مفید، الفصول المختاره، ۱۶۹).

۴. ذیل آیه ۴۱ سوره مریم: «قوله (ص) لم يزل الله ينقلني من اصلاب الطاهرين الي ارحام الطاهرات» (طوسی، ۱۲۹/۷؛ ایازی، ۳۹۰).

۵. ذیل آیه ۱۱ سوره احزاب: «قوله صلى الله عليه و آله الأرواح جنود مجندة فما تعارف منها ائتلف و ما تناكر منها اختلف» (طوسی، ۵۴۷/۸؛ ایازی، ۲۱۸).

۱. شیخ مفید همین استدلال را به صورت مختصر در کتاب الفصول المختاره (۱۳۹) نقل کرده است.

۲. این کتاب، مجموعه آرا و نظریات تفسیری شیخ مفید در خلال تصنیفات وی است که توسط سید محمد علی ایازی جمع آوری شده است.

۳. این روایت در کتاب تفسیر القرآن المجید المستخرج من تراث الشیخ المفید پیدا نشد.

۶. ذیل آیه ۱۰۶ سوره صافات: «قد روى عن النبي (ص) انه قال: انا ابن الذبيحين» (طوسی، ۵۱۸/۸؛ ایازی، ۴۳۱). شیخ طوسی نیز ذیل آیه ۱۶ سوره فتح: «قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سَتُدْعُونَ إِلَى قَوْمٍ أُولَىٰ بِأُسِّ شَدِيدٍ تَقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسَلِّمُونَ فَإِنْ تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا وَإِنْ تَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِنْ قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا»، سبب نزول نقل شده برای این آیه را جعلی دانسته و به تبیین سبب نزول صحیح آیه پرداخته است که همین موضوع در آثار شیخ مفید دیده می‌شود (طوسی، ۳۲۴/۹؛ ایازی، ۴۸۷).
از دیگر مجموعه‌های روایی شیعی که برخی روایات نقل شده‌ی التبیان در آن‌ها نیز یافت شده است عبارت‌اند از:

۱. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص): محمد بن حسن صفار (التبیان، ۹/۱؛ ۱۳/۹؛ بصائر الدرجات، ۵۴/۱ و ۱۹۶/۱).
۲. دعائم الاسلام: ابن حیون نعمان بن محمد مغربی (التبیان، ۱۳۱/۱ و ۱۳۸/۲ و ۱۷۲؛ دعائم الاسلام، ۸۱/۱ و ۲۸۳/۲ و ۵۱۸).
۳. قرب الإسناد: عبدالله بن جعفر حمیری (التبیان، ۸/۱ و ۷۸ و ۵۱۸؛ قرب الأسناد، ۳۱۵ و ۳۸۹).
۴. الغيبة: ابوعبدالله محمد بن ابراهیم کاتب نعمانی، معروف به ابن ابی زینب (التبیان، ۲۴۳/۳؛ ۴۵۷/۷؛ الغيبة، ۵۴؛ ۲۴۰).
۵. المحاسن: احمد بن محمد بن خالد برقی (التبیان، ۲۸۷/۹؛ المحاسن، ۲۶۹/۱).

در جمع‌بندی این منابع باید توجه کرد روایات اشاره‌شده در بالا در این منابع وجود دارد؛ اما به دلیل اینکه شیخ طوسی روایات التبیان را بدون سند آورده و نام منابع و مؤلفان آن‌ها را ذکر نکرده است. به طور قطع نمی‌توان گفت مؤلف این روایات را از این منابع نقل کرده است. در تطبیق روایات نیز گاه روایتی در چندین منبع متقدم نقل شده است که به دلیل پرهیز از طولانی شدن مطلب، آن‌ها را ذکر نکردیم.

نتیجه‌گیری

۱. شیخ طوسی در تألیف التبیان از منابع متنوع شیعه و اهل سنت بهره برده است که نام مؤلفان بسیاری از آن‌ها در التبیان دیده می‌شود.
۲. روش شیخ در نام‌بردن از مؤلفان شیعی متفاوت از دیگر مؤلفان است، به گونه‌ای که به جز در موارد اندک از ایشان نام نبرده است. در این موارد، وی در نقل روایات اهل بیت (ع) از عبارات‌های کلی مانند «اصحابنا، تفاسیرنا و اخبارنا» که اشاره به منابع شیعی دارد، استفاده کرده است.
۳. تفسیر وزیرمغربی و طبری، کتاب العین و کتاب واقدی از جمله مصادر قطعی شیخ طوسی در نقل

روایات اهل بیت (ع) است.

۴. در تطبیق روایات و اشاره‌های روایی، نام برخی از مصادر متقدم شیعه، به‌ویژه تفسیر عیاشی و کتاب کافی و تألیفات شیخ صدوق به دست می‌آید. این امر نشان می‌دهد شیخ طوسی در نقل روایات به این منابع توجه داشته است؛ اما به‌طور قطعی نمی‌توان گفت که وی روایات خود را به‌طور مشخص از کدام‌یک از این منابع نقل کرده است.

۵. روش شیخ طوسی در استفاده زیاد از منابع غیرشیعی مانند تفسیر طبری و نام‌بردن از مؤلفان آن‌ها و در مقابل عدم تصریح به نام و آثار مؤلفان شیعی در بیشتر موارد در کنار فضای تألیف التبیان و حضور شیخ طوسی در شهر بغداد در راستای سبک تطبیقی تفسیر شیعه و سنی و رویکرد تقریبی التبیان درخور تحلیل است.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۷۷.
- ابن ابی‌زینب، محمد بن ابراهیم، الغیبة للنعمانی، تهران: نشر صدوق، ۱۳۹۷ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، قم: داورى، ۱۳۸۵.
- _____، اعتقادات الإمامية، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴ق.
- _____، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تهران: جهان، ۱۳۷۸ق.
- _____، کمال الدین و تمام النعمة، تهران: اسلامی، ۱۳۹۵ق.
- _____، معانی الأخبار، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.
- _____، کتاب من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، بی‌تا.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، لسان المیزان، بیروت: اعلمی، ۱۳۹۰ق.
- ابن حیون، نعمان بن محمد، دعائم الإسلام، قم: آل‌البیت (ع)، ۱۳۸۵ق.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البداية و النهایة، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۷ق.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، بیروت: دار المعرفة، بی‌تا.
- آقابزرگ طهرانی، محمد محسن، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، بیروت: دار الأضواء، ۱۴۰۳ق.
- انصاری، حسن، «جستار تبارشناسی کتاب بصائر الدرجات و هویت نویسنده آن»، کتاب ماه دین، ش ۷۷، ۱۳۸۸، صص ۶۱ تا ۱۴۳.
- ایازی، محمد علی، تفسیر القرآن المجید المستخرج من تراث الشیخ المفید (ره)، قم: مرکز فرهنگ و معارف قرآن؛ بوستان کتاب، ۱۳۸۲.

- ایرانی، اکبر، روش شیخ طوسی در تفسیر تبیان، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ١٣٧١.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: بعثت، ١٤١٥ق.
- برقی، احمد بن محمد، المحاسن، قم: دار الکتب الإسلامیة، ١٣٧١ق.
- حداد عادل، غلامعلی و دیگران، دانشنامه جهان اسلام، «تفسیر علی بن ابراهیم قمی»، محمدجواد شبیری، ج ٧، صص ٧٠٠ تا ٧٠٣، تهران: بی نا، ١٣٩٣.
- حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران: وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی، ١٤١١ق.
- حلی، حسن بن علی، الرجال (لابن داود)، تهران: بی نا، ١٣٤٢.
- حویزی، عبدالعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان، ١٤١٥ق.
- خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، قم: مرکز نشر آثار شیعه، ١٣٨١ق.
- دوانی، علی، هزارة شیخ طوسی، تهران: امیر کبیر، ١٣٨١ق.
- زرکلی، خیرالدین، الأعلام: قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین، بیروت: دار العلم، ١٩٨٩م.
- زیدی، کا صد یاسر، منهج الشیخ أبی جعفر الطوسی فی تفسیر القرآن الکریم، بغداد: بیت الحکمه، ٢٠٠٤م.
- شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، به تصحیح صبحی صالح، قم: هجرت، ١٤١٤ق.
- صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص)، قم: مکتب آیت الله مرعشی نجفی، ١٤٠٤ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، ١٣٧٢.
- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفه، ١٤١٢ق.
- طوسی، محمد بن حسن، الإستبصار فیما اختلف من الأخبار، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ١٣٩٠ق.
- _____، التبیان فی تفسیر القرآن، به تحقیق احمد قصیر العاملی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
- _____، تهذیب الأحکام، به تحقیق خراسان، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ١٤٠٧ق.
- _____، رجال الطوسی، قم: جامعه مدرسین، بی تا.
- _____، فهرست کتب الشیعه و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الأصول، قم: مکتبه المحقق الطباطبائی، ١٤٢٠ق.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، رجال العلامة الحلی؛ خلاصه الأقوال فی معرفة احوال الرجال، نجف: حیدری، ١٣٨١ق.
- علم الهدی، علی بن حسین، تفسیر شریف مرتضی یا نفائس التأویل، بیروت: اعلمی، ١٤٣١ق.
- عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر، تهران: مکتبه العلمیة الإسلامیة، ١٣٨٠ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: هجرت، ١٤٠٩ق.

- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، تهران: صدر، ۱۴۱۵ ق.
- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۶۸.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم: دار الكتاب، ۱۴۰۷ ق.
- کاشانی، ملافتح الله بن ملاشکرالله، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: کتاب فروشی اسلامی، ۱۳۷۵.
- کریمی نیا، مرتضی، «شیخ طوسی و منابع تفسیری وی در التبیان»، فصلنامه مطالعات اسلامی، دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد، ش ۱۱۱، ۱۳۸۵، صص ۸۱ تا ۷۴.
- _____، وزیر مغربی و روش شناسی المصابیح فی تفسیر القرآن، پایان نامه دکتری، به راهنمایی دکتر منصور پهلوان و دکتر مجید معارف، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۹۴.
- کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی؛ اختیار معرفة الرجال، همراه با تعلیقات میرداماد استرآبادی، مشهد: آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: اسلامی، ۱۴۰۷ ق.
- کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بی تا.
- مفضل بن عمر، توحید المفضل، قم: داوری، ۱۴۱۰ ق.
- مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم: آل البيت (ع)، ۱۴۱۳ ق.
- _____، الفصول المختاره، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
- _____، تصحیح اعتقادات الإمامیه، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴ ق.
- موسوی دره بیدی، سید حسین، بررسی منابع روایی و رویکرد حدیثی تفسیر التبیان در حوزه روایات اهل بیت (ع)، به راهنمایی دکتر امیر احمد نژاد، اصفهان: دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان، ۱۳۹۸.
- موسوی بجنوردی کاظم و دیگران، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، «ابوالجارود در دایرة المعارف بزرگ اسلامی»، نوشته علی بهرامیان، ج ۵، تهران: مرکز بزرگ دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۶۷.
- نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۵.
- واقدی، محمد بن عمر، المغازی، به تحقیق مارسدن جونس، بیروت: اعلمی، ۱۴۰۹ ق.
- وزیر مغربی، حسین بن علی، المصابیح فی تفسیر القرآن العظیم، به تحقیق عبدالکریم بن صالح بن عبدالله الزهرانی، مکه: دانشگاه ام القری، ۱۳۶۵.